



ترجمه حمید عنایت

مصریان « و سواسی ترین دینداران جهانند. » این جمله از « هرودوت » است و سخن درسیست. مردم مصر کهن که شیفته خیال یک زندگی « فوق زمینی » (Supra - terresrie) بودند، میخواستند تا همه نصیبهای مرده را در دسترسش گذارند. بسرای این نیت مقدس، میکوشیدند تا بدن را بامومیائی کردن، فساد ناپذیر سازند زیرا جسم را پناهگاه روح سرگردان مرده میدانستند. گذشته از این، همه گونه افزار سودمند و دلپسندی را که مرده در زمان حیات خود بکار میبرد، در کنارش میگذاشتند تا در زندگی تازه خود از آنها بی بهره نماند. و سرانجام روی دیوارهای قبر یا ضریح، همه مظاهر زندگی را که مرده بآن ها دلبنده میبود، نقش میکردند. این نقشها، تنها بنیروی خلاق تصویر، میتواندست همه شیرینیها و شادیهای زندگی از دست رفته را بمرده باز پس دهد. چنین معتقداتی بما امکان داده است تا تصاویری را که همه لحظات یک زندگی مادی را با کوششها و شادیهای روزانه اش وصف میکنند فراهم داشته باشیم. این تصاویر، زندگی مرده را نشان میدهد که آزموندهانه کوشیده اند تا لطف و شادی حیات را که در این خاکدان از آنها بی بهره بوده اند، در سرای دیگر برای خود فراهم کنند.

همچنین در این تصاویر، اشکال فراوانی از آلات موسیقی و صحنه های نمایش می بینیم. این اشکال، مارا بر آن میدارند تا هنر موسیقی و رقص را، در میان تفریحات و بازیهای مصریان کهن و حتی در همه حال، دارای مقامی ممتاز پنداریم (۱).

پیش از همه، شکل سازهای ضربی مخصوصاً روی بناهای باستانی دیده میشود. این سازها، از ازمه پیش تاریخ، عبارت بود از دو چوب دستی یا دو تخته پاره کوچک، که بغلط «Crotale» نامیده میشود؛ اینها را بر هم میکوفتند و این بجای «کف زدن» بود، بعلاوه از این دوره، سنگ-ریزه هائی که برای سوت کشیدن و دست آورنجهائی که برای برانگیختن سروصدا بکار میرفته، بجا مانده است؛ اینها را هنگام رقصهای جادو-گران یا برای شروع آئینهای مذهبی بکار میبردند. سپس، دیسری بعد، سازی بنام «Maïnit» که مدتها آنرا گردن بند یا تازیانه ای سحر آمیز می پنداشتند، اما در واقع يك ساز موسیقی شبیه «کسروتال» است، بعد «سنج» (Gymbale) که غالباً بطور دو تائی نواخته میشد و سرانجام «سیستر» (Sistre) ساز خاص مصریان که دو نوع کاملاً همتا ندارد، ظاهر میشود. «سیستر» که کمتر در مراسم غیر رسمی نواخته میشد، مخصوصاً در آئینهای رسمی معابد و در بار بکار میرفت. بعد با انواع گوناگون طبل بر میخوریم: «تنبک» طبل کوچکی بشکل بشکه که بگردن آویخته میشد و در آهنگهای نظامی آنرا می نواختند؛ «دایره زنگی» که صدای آرامتری داشت و زنان، رقصهای مذهبی یا غیر مذهبی را با آن همراهی میکردند.

سازهای بادی نیز فراوان و گوناگونست. شیپور مدتها بعد، در دوره امپراتوری نو، در نمایشهای نظامی دیده میشود و برای رساندن احکام فرمانده

۱- تاریخ مصر فرعونى، که سی و پنج قرن را در بر میگیرد، ادوار عظمت و انحطاط داشته است. سه دوره عظمت و بهروزی آن از این قرار است: امپراتوی کهن (۲۳۰۰-۲۷۰۰ پیش از میلاد)، شامل سلسله های سوم و چهارم و «پیرامید» ها؛ امپراتوری میانه (۱۷۸۵-۲۰۶۵ پیش از میلاد)، شامل سلسله دوازدهم که نفوذ مصر را باقصی ممالک بیگانه رسانید؛ امپراتوری نو (۱۲۰۰-۱۵۸۰ پیش از میلاد)، شامل سلسله هیجدهم، نوزدهم و رامنس دوم، سپس دوره انحطاط پیش میآید (از ۱۲۰۰ تا ۳۳۳ پیش از میلاد)، تاریخ تصرف مصر بدست اسکندر و بعد، در قرون هفتم و هشتم، میان تسلط آشوریان بر مصر و فتح ایرانیان، در سلسله پادشاهان «سائیس»، کوشش و تکاپو دوباره آغاز میگردد.

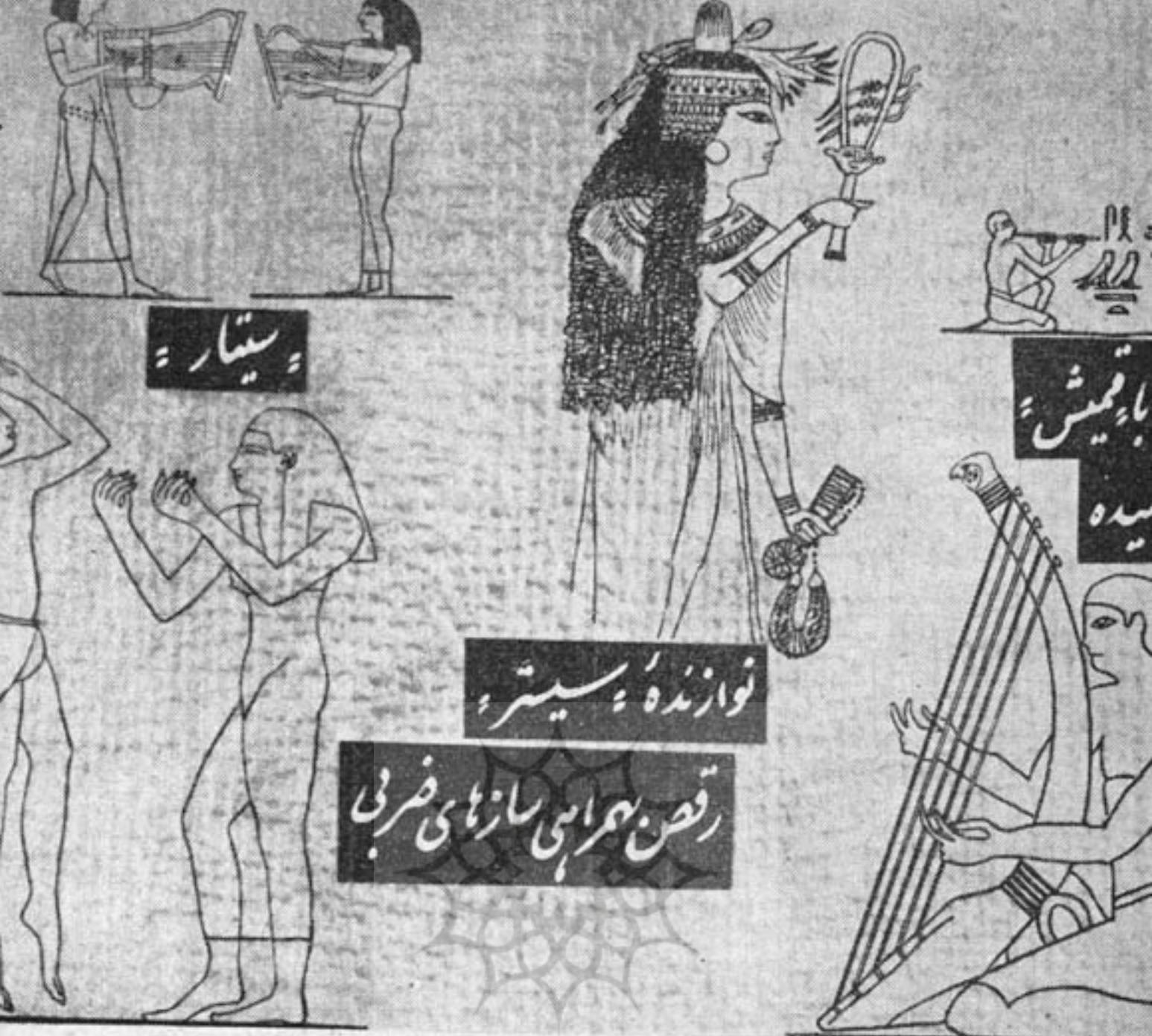
کل بکار می‌رود. سپس نی لبك یا «Nai» پیش می‌آید که لوله ایست بدون تیغه نازک فلزی و پساد بره؛ هر دو سر آن باز است و با «فلوت» - های امروزی یکسره تفاوت دارد. صورت این ساز روی یکی از الواح «ای برا کو نیولیس» (Hiera kannpolis)^(۱) متعلق به چهار هزار سال پیش از میلاد، منقوش است: صیادی که پوست رو باه در بردارد و برای گرفتن يك نخچیر، «نایی» مینوازد، روی این لوح دیده میشود. همین کار امروزه در پاره‌ای از نقاط آفریقا معمول است. بدینگونه، نی لبك برای نخستین بار در تاریخ بعنوان افزاری برای شکار پیدا شده است! بعد، در دوره امپراطوری کهن، نی لبك مخصوصی را بنام «Maït» که دو تیغه فلزی نازک دارد و نمونه واقعی او بوا (Hautbois) است؛ و سرانجام فلوتی مانند «زماره» عربی و سپس، در دوره امپراطوری نو، نی لبکی که دو لوله متباعد دارد و شاید اصلش از آسیا باشد، دیده میشود.

همچنین بیشتر سازهای زهی مصریان کهن نیز از آسیا وارد شده است، مانند گیتار (با ۵ تا ۸ زه) عود (با ۲ تا ۴ زه) و یکنوع چنگ سه گوش که در دوره‌های واپسین تاریخ مصر کهن معمول شد و نمونه خوبی از آن در موزه «لوور» موجود است. تنها چنگ دارای اصل مصریست و عمر قابل ملاحظه‌ای دارد (از آغاز دوره امپراطوری کهن) اگر چه در آغاز چیزی جز يك کمان دراز با اندازه کوچک و قابلیت محدود (دارای ۵ تا ۷ زه) نیست، اما بعدها بیش از پیش ارج می‌یابد و پرشکوه‌تر میشود و بر طبق یکی از متون متعلق بسلسله هجدهم، «آنرا از آبنوس مرصع بسیم و زر و خرکهای زرین می‌سازند».

«ارگ» آبی هم ظاهرآ در اسکندریه ۲ تا ۳ قرن پیش از میلاد مسیح تکامل یافت، این همان فلوت «پان» (Pan)^(۴) است که بادست نواخته میشود. این ساز دوران ترقی سریع و درخشانی در پیش داشت...

۱ - نامیست که یونانیان بشهر «Nikhon» مصر دادند و معنای آن «شهر شاهینها» است، زیرا خدای این شهر بشکل شاهین بود. «نیخون» در کرانه چپ رود نیل، روبروی «الکاب» قرار داشت و در قرون پیش از میلاد، با این شهر، حد جنوبی کشور فراعنه را تشکیل میداد. ویرانه‌های يك قلعه و يك معبد این شهر که بفرمان فراعنه سلسله دوم وسوم ساخته شده بود، بسال ۱۸۹۸ کشف شد. مترجم

۲ - رب النوع مرغزارها، گله‌ها و شادیه‌ها در اساطیر یونان م.



شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

خصائص موسیقی مصری

اما کنجکاوی ما باین آسانی پایان نمی پذیرد و نمی تواند بشناختن سازهائی که در مصر کهن بکار میرفته بس کند؛ بلکه میخواهد شیوه استعمال این سازها را بداند و بالاتر از همه بی قرار است تا اصواتی که از آنها برمیخاسته بشناسد. کدام پژوهنده ای میتواند آهنگهای شیرین و العان خوش آن «کنسرت»ها، آن جشنها و آن رژهها را بما بازگرداند؟ کیست که از لطف و رنگ آمیزی و جذبه و لحن خاص این موسیقی برای ما سخن گوید؟

بدبختانه چنین بنظر می آید که صدای این موسیقی یکسره خاموش شده است. چون هیچگونه رساله عملی یا نظری درباره موسیقی مصر قدیم و هیچ سندی درباره «سیستم» نت نویسی آنان (دست کم تا کنون) بدست نیامده،



موسیقی نظامی

فی بلند و ترومپت



فی دوستانی

پروفسور علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

هیچ آهنگ و لحنی را نمیتوان ثبت کرد. آیا چنین سیستمی هرگز وجود داشته است؟ میتوان شك داشت. مصریان از آنجا که مردمی نکته سنج و واقع بین بوده اند، بی گمان مارا بر این نکته آگاه خواهند ساخت.

در کوششی که برای آگاهی بر این رازها باید انجام گیرد، مطالعه سازها از نظر ریاضی و صوت شناسی (Acoustique) ضرور است. چنین مطالعه ای، اگر مجال نباشد، بسیار دقیق می باشد. بدینگونه با شناسایی اندازه های عموماً کوچک شیور مصریان قدیم، می توان یقین حاصل کرد که صدای آن، حتی برای گوشهای مردم قدیم نیز بسیار زنده و ناخوش بوده است! «توسیدید» (Thucydide) میگوید ساکنان «بوزیریس» Busiris^(۱)

۱ - ضبط یونانی است از نام شهر یادهی در مصر قدیم. پهلوانی بهمین نام نیز

در افسانه های یونانی وجود دارد. ۲

که بعلل مذهبی، خران و «عرعر» آنها را ناخوش میداشتند، از صدای شیپور ناراحت میشدند زیرا «عرعر» خر را بیادشان میآورد؛ صدای این شیپور با نوائی که از شیپورها در «آیدا» (Aida) (۱) برمیخیزد، چقدر فرق دارد؛ اما از انواع نی لبک‌ها میتوان اندیشید که مصریان، «گام کروماتیک» یا دست کم، نخستین پنج نوع «گام دیاتونیک ماژور» را می‌شناختند.

ولی بانبودن هیچگونه دستگاه نت نویسی، الحان و آهنگها چگونه خوانده و نواخته میشد؛ مجموعه سازها و آوازاها چگونه رهبری میگشت؛ اینجا مانند سراسر ادوار عتیق، روایات و سنن شفاهی، اهمیت فراوانی داشته است. برای جبران نارسائیهای حافظه نیز، عالمان بقواعد حرکات دست (Chironomiste) بمیان میآمده‌اند. کار آنها نه تنها تنظیم ریتم (وزن) و سرعت اجرای (Tempo) موسیقی است، بلکه باید با حرکات دست، ملودیها را در حال صعود یا نزول تجسم کنند. این شیوه که بسیاری از صور نقاشی و حجاری بر آن گواهی میدهد، در سراسر جهان کهن تا آغاز قرون میانه، که شاید زمان تحریر نخستین نوشته‌های موسیقی موسوم به «Neume» است تکرار میشده حتی امروز نیز میتوان آنرا در دسته‌های «کر» کلیسای قبطیان مشاهده کرد.

مقام موسیقی در مصر قدیم

قدمت موسیقی مصری، که با رقص همراه بوده، بهمان اندازه تمدن مصری نیست. شواهدی که اهمیت برجسته موسیقی و رقص را در بز مه‌ها و همچنین در پیش پا افتاده ترین کارهای روزانه مصریان نشان میدهد، فراوانست.

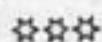
رقص، مخصوص به رزبانان بوده و درون يك خمره انجام میگرفته و دونفر با «قاشقك» های چوبی، حرکات رقصان را موزون میکردند. آواز در صحنه‌های دلکش کشتزارها خوانده میشده: بذرمی افشاندند و آواز میخواندند؛ حاصل بر میداشتند و ترانه میسرودند؛ کارگران ساقه های گندم را می‌بریدند و یک نفر با نوای نی، کوششهای آنانرا همراهی میکرد؛ یکی از برزگران، داس خود را زیر بازو میگذاشت، جلوی نوازنده می‌ایستاد و مطابق آهنگ نی او، دست میزد.

زیارت اماکن مقدسه نیز در میان شادمانی، فریادهای شادی، سرودها،

۱- ابرا در چهارده برده از وردی، آهنگساز ایتالیایی، وقایع آن در زمان فراغه میگردد. م.

رقصهای موزون و «قیل و قال» انجام میگرفت. هرودوت حکایت میکند (تاریخ، II، ۶۰) که مصریان هنگام جشنهای «بوستیس» (Boubastis) ۱ همه کارهای خود را رها میکردند و با قایق از نیل پائین میرفتند. هنگام عبور، زنان «قاشقک» میزدند و مردهانی لبک مینواختند. دیگران که نه سازی مینواختند و نه آواز میخواندند، کف میزدند. هر گاه بمحاذات شهری میرسیدند، بر آوازها و رقصهای خود میافزودند و مردم آنرا بریشخند می گرفتند. پیداست که در چنین محیطی، جمعیت خاطر برای کسی دست نمی داد؛ اما در عوض، چه محیط پر آب و رنگ و گیرائی بود!

حتی بزرگان نیز در تشریفات رسمی، مذهبی و کشوری یا حتی در تفریحات فارغ از هر گونه قید و بند آئینی و تشریفاتی، از تأثیر موسیقی برکنار نبودند. فرعون برای تفریح خاطر، آوازخوانان و رقصانان را بخدمت می پذیرفت. «مدیران نواختن آهنگهای موسیقی» قدر و ارج فراوان داشتند و پادشاه شایسته ای نیز می گرفتند؛ زیورهای گران بهای مقابر آنان عموماً بر این نکته گواهی میدهد. کارمندان بلندمرتبه دولتی و ملاکان ثروتمند نیز بزودی از فراغ تقلید کردند. یک هنردوست ظریف، از همه شادیا در یکدم بهره مند میگشت: روی یک صندلی راحتی، که پایه هایش بشکل شیر بود، می نشست و خود را بدست آرایشگران میسپرد. یکی از خادمان، حیوانات محبوب ارباب را نزد او می آورد. زرگران نیز آخرین بدایع خود را باو تقدیم میکردند؛ کارپردازان چمباتمه زده، گوش بفرمان بودند. اما مخدوم در همه این احوال، به کنسرتی که آغاز شده بود، گوش میداد. دیگری که تا این پایه هنردوست نبود، اما کار آزموده تر بود، بموسیقیدانانش توجه داشت و در همان حال، خادم نابکاری را کنارش بچوب و فلک بسته بودند.



اکنون مسلم است که با وجود تاریکی ها و نارسائیهای فراوان و پرهیزناپذیر آگاهی ما درباره مصر کهن، موسیقی مصری را نمیتوان یک پدیده کاملاً مجزا و مستقل دانست. مصر، علی رغم میهن پرستی افراطی ساکنانش، در این زمینه همچون بسیاری زمینه های دیگر، از بیگانگان مایه اندک گرفت

۱- یا «Bubastis» در مصری «Poubastit» بمعنای خانه «باستیت» (باست «Bast» - الهه ای که صورتش بشکل گربه بوده) یکی از شهرهای مصر، در کرانه غربی یکی از شعبات نیل، که معبد مشهور و معتبری به همین اسم داشته م.

و بهره فراوان پس داد .

بویژه ، «ملودی» های ادوار واپسین پس از آمیختگی با آواز عبری و سرودهای یونانی به نخستین سرودهای مسیحی ، مایه و نیرو بخشید .
سرانجام ، وجوه اصلی این موسیقی ما را بر آرزوهای ژرف ، خصلت خوش بینی ، دلبستگی و سرگرمی بمنظر دیدنی ، ذوق هزل سبکسرانه و گاه واقع بینانه و شعور ذاتی ممتاز و طبع مشکل پسند مصریان کهن آگاه میسازد .

باخ : «پرفروش» ترین آهنگسازان ...

آهنگسازان قرن ۱۷ و ۱۸ ، خاصه پس از پایان جنگ اخیر ، محبوب ترین و پرفروش ترین موسیقی دانان اروپا هستند و روز بروز بر عمومیت و موفقیت آنها افزوده میشود . از این لحاظ موسیقی در میان هنرهای دیگر وضع خاصی دارد باین معنی که مشاهیر هنرهای دیگر (نقاشی ، تئاتر ...) که مورد علاقه اکثریت عامه هستند پیوسته از هنرمندان دوره های نسبتاً جدید میباشند .
باری ، آماري که چندی پیش در این زمینه از طرف یکی از روزنامه های فرانسه و از دانشجویان دانشکده های ادبیات و حقوق و علوم سیاسی تهیه شده است ، یکبار دیگر ، این موضوع را تأیید مینماید . در آمار مزبور باخ با اکثریت فوق العاده ای نخستین مقام را در لیست آهنگسازان مورد علاقه دانشجویان مزبور اشغال میکند (ستر اوینسکی مقام هفتم ، بارتوک مقام دهم و آهنگسازان نوپرداز معاصر مقام نوزدهم را اشغال میکنند ...)